

و در پایان پیامدهای مثبت و منفی اعطای مدرک مورد بررسی قرار گیرد. نگارنده نتیجه‌گیری آن را به خوانندگان محترم واگذار کرده است.

الف. ماهیت مدرک: دانش و توانایی

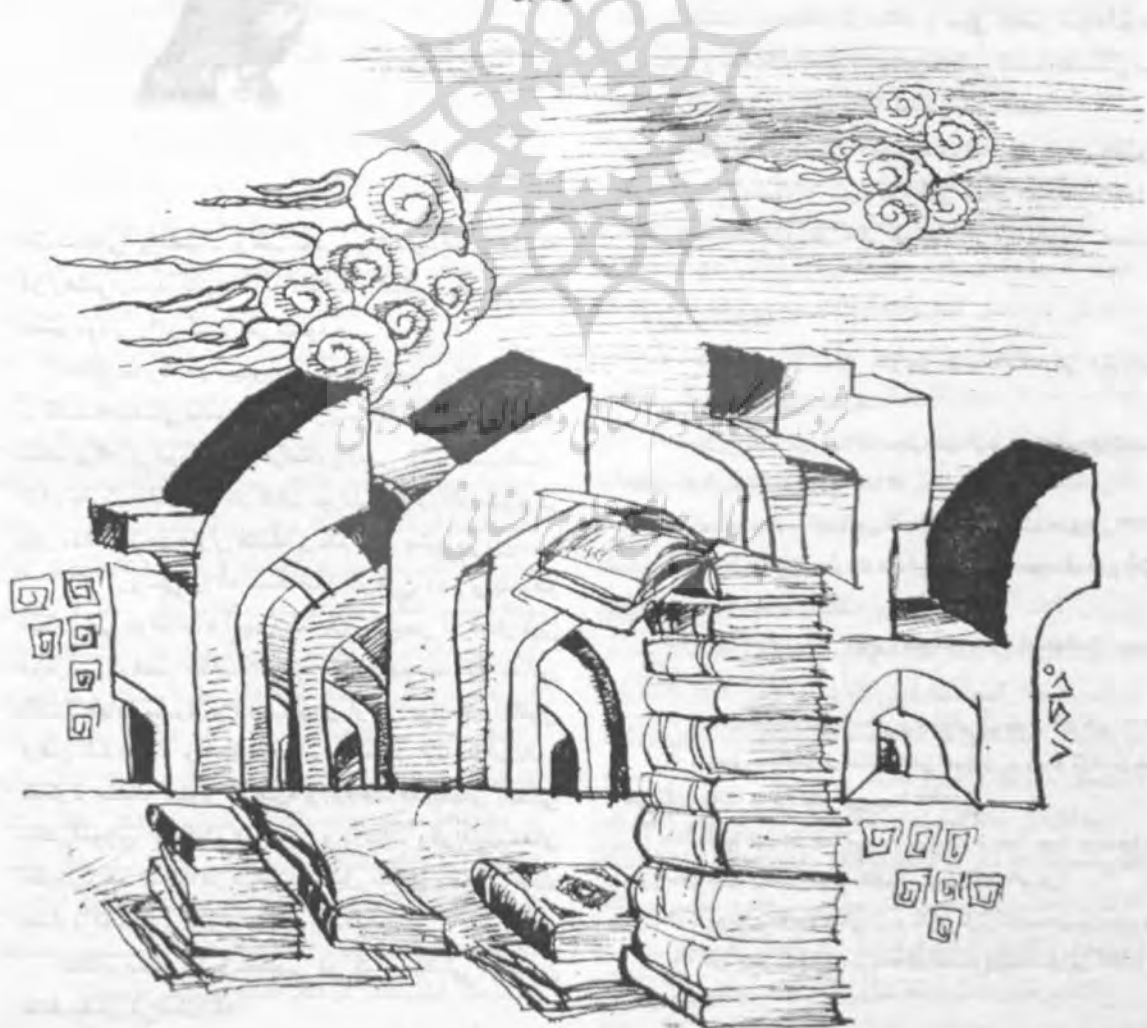
۱. تاریخچه

تخصصی شدن امور و ضرورت تقسیم کار، گسترش ارتباطات، پیچیده شدن روابط اجتماعی، قانونمند شدن جوامع و... از جمله مسائلی بود که بحث «مدرک» یا گواهینامه گذراندن یک دوره آموزشی را به طور جدی و سیستماتیک در نهادهای آموزشی جوامع مطرح ساخت، گرچه به نظر می‌رسد مدرک یا همان نماد و نشانه دانش و توانایی انجام کار از همان آغاز به گونه‌ای در جوامع متمدن بشری وجود داشته است و نمی‌توان سرآغاز آن را متوجه جامعه و نظام خاصی کرد، اما

پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام اسلامی، به دلیل وارد شدن حوزویان در مسائل حکومتی، تغییر و تحولاتی در کارکردهای حوزه پدید آمد و نیازهای جدیدی چون «مدرک» در قاموس ادبیات حوزویان راه یافت. در آغاز، این نیاز با «مدارک معادل» مرتفع گردید اما سرانجام و پس از مدتی کش و قوس میان مخالفان و موافقان مدرکی شدن نظام آموزشی حوزه، جبهه موافقان چیره گشت و موضوع اعطای مدرک رسمی حوزوی از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشت و از آن زمان به بعد که روزبه روز حضور «مدرک» در نهاد آموزشی حوزه جدی‌تر و فراگیرتر شده است، تحقیق و پژوهش درخور توجهی (تاجایی که نگارنده اطلاع دارد) درباره پیامدهای این امر صورت نگرفته است. در این مقاله سعی شده ابتدا «ماهیت مدرک» و سپس ویژگی‌های نظام حوزوی

پیامدهای آموزشی اعطای مدرک

محمد علی ندایی



● سرانجام و پس از مدتی کش و قوس میان مخالفان

و موافقان مدرکی شدن نظام آموزشی حوزه، جنبه

موافقان چیره گشت و موضوع اعطای مدرک رسمی

حوزوی از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی

گذشت و از آن زمان به بعد که روزبه روز

حضور «مدرک» در نهاد آموزشی حوزه جدی تر و

فراگیرتر شده است، تحقیق و پژوهش درخور

توجهی (تا جایی که نگارنده اطلاع دارد) درباره

پیامدهای این امر صورت نگرفته است.

به طور خلاصه می توان گفت «مدرک» از آنجا که نماد دانش و توانایی است، در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی مؤثر است. و در عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات و پیشرفت دانش است، مدرک مشخص کننده جایگاه اجتماعی و طبقاتی دارنده مدرک و راه وصول به اکثریت قریب به اتفاق امتیازات اجتماعی است. بر این اساس مدرک می تواند در شیوه زندگی نکرشهای طبقاتی و در انتخاب همسر نقش مهمی ایفا کند. و در یک کلام یکی از عوامل اصلی پویایی و تحرک افقی و عمودی افراد در سطح اجتماع به شمار می رود.

ب. ویژگی های نظام طلبگی

نظام کهنسال حوزه با پیشینه ای هزارساله از جمله یادگارهای قرون گذشته است که تا حد زیادی همچنان دست نخورده باقی مانده است. از آنجا که آموزش و پرورش راننده محیط اجتماعی است و هر جامعه ای نظام آموزشی خاص خود را دارد. برای پیورسی عمیق و همه جانبه نظام حوزوی باید بهترهای رویش، فضای تأسیس شده و نیازهای جامعه آن و ویژگیهای آن مورد بررسی قرار گیرد و آنگاه روند تطور و تحول، علل دوام و خصوصیات ممتازی که موجب شده تا این نظام در طول قرون متمادی کارایی خود را حفظ نماید، روشن شود.

بدون شک پیوند حوزه به عنوان کانون تولید فکر و اندیشه و تربیت نیروی انسانی یا شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی پیوندی عمیق و ناگسستنی است و هرگونه تلاش در راه بازشناسی نظام طلبگی تلاش در راه بازشناسی تمدن اسلامی به شمار خواهد آمد از این رو در راه احیا و بازسازی تمدن بزرگ اسلامی، می بایست نظام حوزوی به عنوان نهادی که با سایر نهادهای اجتماع ارتباط پویا و دینامیکی داشته است، مورد بررسی قرار گیرد. به طور قطع بیان ویژگی های نظامی

برخی مدعی اند در قدیم تعلیم و تعلم به مدرک ختم نمی شده و تبحر و کارایی دانش پژوه نشانه یادگیری به شمار می رفته است^۱ اما با اندکی وسعت نظر می توان «تأیید» و «اجازه» استاد را که در قدیم رایج بوده است، نوعی مدرک به حساب آورد.

۲. تعریف مدرک

برای مدرک با توجه به کارکردهای مختلف آن تعاریف و تعبیر گوناگونی ارائه شده است که می توان آنها را در سه نگرش خلاصه کرد: ۱. نگرش آموزشی به مدرک، ۲. نگرش اجتماعی به مدرک و ۳. تعریف مدرک از زاویه نگرش اقتصادی به آن.

در نگرش آموزشی مدرک از یک سو نشانگر میزان دانش آمادگی یادگیری معلومات جدید است و از سوی دیگر وسیله راهنمایی به برخی از مشاغل. و بدین جهت نوعاً مدرک مؤید دو واقعیت متفاوت یعنی دانش و توانایی است^۲.

از زاویه نگرش اقتصادی، مدرک «دارایی» تلقی شده و نوعی «دارندگی» یا «توشه ای» سازمان یافته باروش خاص یا اندوخته ای از دانش و توانایی استفاده هوشمندانه از این اندوخته در انجام وظایف تعریف و توصیف می شود^۳.

در نگرش اجتماعی، مدرک به درمی تشبیه شده که گاه باز می شود و اجازه ورود می دهد و گاه بسته می شود و از نفوذ محیط بیرون در محیط بسته درون جلوگیری می کند^۴.

۳. کارکردهای مدرک

همانگونه که از تعریفهای مدرک مشخص شد، مدرک از کارکردهای متعددی برخوردار است که در ذیل به آنها اشاره می شود.

۱. ارزشیابی گذشته تحصیلی و بیانگر آمادگی برای ادامه تحصیلات

۲. راهنمایی به مشاغل اجتماعی و پیش بینی توانایی های دارنده مدرک برای عهده دار شدن وظایف شغلی

۳. عامل پیشرفت اجتماعی؛ در نگاه بسیاری از مردم مدرک وسیله ای برای ارتقای طبقه اجتماعی و سطح زندگی محسوب شده و قادر است نابرابری های اتفاقی ناشی از خاستگاههای اجتماعی و اقتصادی را از میان بردارد^۵.

۴. انحصاری کردن برخی امتیازات اجتماعی - شغلی؛ مدرک همانگونه که می تواند عامل پویایی اجتماعی شود.

می تواند به سکون و جدایی بیشتر صاحبان مدرک از جامعه نیز منجر گردد چراکه مدرک با تضمین و تعیین برخی امتیازات اجتماعی - شغلی، به انحصاری شدن آنها کمک می کند و خود

عامل عدم پذیرش، جدایی و سکون در جامعه می شود و بدین سان همانند دری می ماند که گاه باز می شود و اجازه ورود می دهد و گاه بسته می شود و از نفوذ بیرون جلوگیری می کند^۶.

چنین عمیق و ریشه‌دار، تحقیقی فراخ می‌طلبد اما به ناچار می‌باید به‌طور گذرا تصویری هرچند اجمالی از آن ارائه کرد و بخش‌هایی از گنجینه پنهان حوزه را در معرض دید خوانندگان گذاشت.

۱. استاد محوری

نظام طلبگی با سابقه‌ای هزارساله از جمله نظام‌های آموزشی است که «استاد محور» به‌شمار می‌آیند. مسلماً «استادمداری» در زمان‌های مختلف تفسیرها و تعبیرهای مختلفی دارد. در قدیم بسیاری از مکتب‌های درسی در منزل اساتید شکل می‌گرفت و هر جا که استاد حضور داشت، همانجا محل درس و بحث آموزشی می‌شد. یکی از محققان در توضیح این ویژگی می‌نویسد:

«نظام طلبگی بر بنیاد استادمداری استوار است و در نهایت نظامی بشرگراست چه در رابطه با عناصر درونی نظام (طلبه و استاد) و چه در ارتباط با علوم (علوم انسانی و دینی) و چه در پیوند با جامعه»^{۸۱}.

این نویسنده سپس به جایگاه استاد در این نظام اشاره کرده می‌گوید:

«استاد رکن اول آموزش و حکم سرمشق ذهنی طلاب را دارد»^{۸۲}.

این پژوهشگر مباحثه را تجلی استادمحوری دانسته می‌نویسد: «میل به آموزش از طریق استاد آن چنان در طلاب قوی بوده است که طی یک مرحله تاریخی این گرایش به‌صورت مباحثه در نظام آموزشی تجلی کرده است و مباحثه کلاس کوچکی است که یکی از طلاب در آن نقش استاد خویش را می‌گیرد و سعی می‌کند عیناً شبیه او مطالب درسی را دوباره تدریس کند، از این رو شکل اصلی مباحثه نیز تعبیری از استادمداری در نظام طلبگی است»^{۸۳}.

۲. «خودانگیزگی» و «ساختار باز»

معمولاً در نظام‌های آموزشی عناصری تعبیه می‌شود برای اینکه دانشجویان را به یادگیری وادار کند. نظام طلبگی از محدود نظام‌هایی است که سعی کرده از راه‌هایی چون ایجاد نگرش معنوی و دینی به علم و تقدس بخشیدن به آن و به‌طور کلی گسترش و تقویت هرچه بیشتر معنویت در محیط‌های آموزشی خود و نیز ورود مشتاقانه و علاقه‌مندانه متقاضیان سبب شده تا طلاب به‌طور خودانگیز به فراگیری دروس حوزوی بپردازند. این وضعیت باعث شده تا نظام طلبگی نظامی «باز» تلقی شود و بدون برخورداری از یک برنامه آموزشی صددرصدی تدوین شده امر آموزش را دنبال نماید. درحالی‌که «ساختار آموزشی باز» را نمی‌توان «بی‌نظمی» به‌حساب آورد. به‌دلیل برخورداری نظام حوزه از این خصوصیت است که «امتحان» جای پای محکمی تاکنون در

حوزه نداشته است. این ویژگی ارتباط دقیق و مستحکمی با «استادمحوری» نظام طلبگی دارد که قبلاً به آن اشاره شد و بر این اساس هرگونه تغییر و تحولی که در این زنجیره شود، در عناصر دیگر نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای خواهد گذاشت.

اگر در نظام حوزوی همواره بر «بدان ایدک‌الله» تأکید می‌شود و نه بر «بخوان» به‌دلیل همین ویژگی باز و عنصر خودانگیزگی درونی است که در بستر آن تعبیه شده است. «ساختار باز» و «خودانگیزگی» دو خصوصیتی است که از عوامل مهم پویایی آن در طول قرون متمادی به‌شمار می‌آید. این خصوصیت سبب شده تا هر کس به فراخور استعداد خود از خرمن علم و دانش حوزه خوشه‌چینی کند و برپایه جدوجهدش، مدارج علمی را ببیماید و از همه مهمتر آنکه قوه خلاقیت و ابتکار و قدرت تحلیل و تفکر طلاب را رشد و شکوفا ساخته‌اند. علم را به آنان بچشاند و در یک کلام مظهر مشارکت طلاب در نظام آموزشی به‌حساب می‌آید. به‌گونه‌ای شاید بتوان نظام طلبگی را از این جهت «نظام آموزشی مشارکتی» نامگذاری کرد. این مشارکت سبب می‌شود تا طلبه به‌صورت فعال و با اراده شخصی و با توجه به‌اهدافی که برای خویش ترسیم کرده و نیازهایی که احساس می‌کند، به تحصیل بپردازد و نه به‌گونه‌ای منفعل و ایزارمانند که باید مگری برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین‌شده باشد.

۳. فقه محوری

نظام آموزشی حوزه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که تقریباً تمامی دروس مقدماتی و پایه آن در راستای آمادگی طلاب برای ورود به حوزه فقه است. برای کسی که اندک آشنایی با حوزه داشته باشد، روشن است که اجتهاد و فقاقت اوج و قله نظام طلبگی به‌شمار می‌رود و مراجع محور و مدار و متولیان حوزه محسوب می‌شوند. یکی از پژوهشگران در توضیح فقه محوری می‌گوید: «گرایش طلاب به فقه را می‌توان یک گرایش اصیل مذهبی تلقی کرد چراکه فقه بیش از سایر علوم اسلامی یا مذهب پیوند دارد، برعکس سایر ادیان که تقریباً از زندگی مادی کنار کشیده‌اند. دین اسلام هم به جنبه‌های معنوی و هم به زمینه‌های مادی زندگی مربوط می‌شود و مسؤولیتهای اجرایی این ارتباط را برعهده فقه نهاده است»^{۸۴}.

رسالت حوزه جایگاه اجتماعی فقیه و فقاقت و جاذبه‌ای که توانایی حکم بر مسائل فقهی برای افراد دارد. از جمله عوامل محور قرار گرفتن فقه در نظام آموزشی حوزه است. البته این ویژگی بدان معنا نیست که سایر علوم همچون فلسفه، کلام، تفسیر و علوم طبیعی مورد غفلت قرار گرفته است. وجود متخصصان این علوم در تاریخ حوزه بهترین گواه این مدعا است.

۴. فضای تربیتی

فضای سرشار از معنویت، نگرش مقدس‌گونه به علم و

معلمان، وجود انگیزه‌های معنوی «متعلمان و محیط آغشته از عطر تقوا و اخلاص، از خصوصیات مهم نظام طلبگی محسوب می‌شود. از آنجا که حوزه عهده‌دار تبلیغ دین و هدایت و ارشاد مردم است، تقارن علم و عمل را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر خود برگزیده و همواره بر این عنصر تأکید کرده‌است. در نگرش نظام طلبگی، نه تنها «تزکیه» امری لازم شمرده می‌شود که مقدم بر «تعلیم» به حساب می‌آید، بنابراین معتقد است «من از داد علما و لم یزدد هدی لم یزدد من الله الا بعدا».

در حقیقت حوزه به‌عنوان کانون تولید فکر و فرهنگ به‌آراستگی طلاب به ارزشهای فرهنگی که خود عهده‌دار تبلیغ آنهاست، بسیی اهتمام دارد و در این راستا فضاهای آموزشی را به‌گونه‌ای سامان‌دهی کرده که گوشه‌گوشه حجره‌ها و مدرس‌های آن از عطر دل‌انگیز معنویت آکنده شده و بسترهای سیر من الخلق الی الحق طلاب فراهم باشد. این خصوصیت به‌مرور چنان در سطح حوزه‌ها گسترش یافته که فرهنگ طلبگی را که از آن با عنوان «زی طلبگی» یاد می‌شود، پدید آورده‌است.

از سویی احداث مدارس در کنار مساجد یا تشکیل حلقات درسی در آنها نیز در سایه همین ویژگی تعبیر و تفسیر می‌شود.

حوزه و مدرک

با نگاهی به تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب حوزه درمی‌یابیم که از همان قدیم‌الایام، گونه‌ای «مدرک» وجود داشته که حداقل می‌توان به اجازه‌نامه‌های اجتهاد یا نقل روایت و نظیر آنها اشاره کرد. وانگهی کاربرد عناوینی چون مروج الاحکام، ثقه الاسلام، حجه الاسلام، علامه، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، حکیم و امثال آن که در حوزه‌ها رواج داشته می‌تواند بیانگر وجود نوعی مدرک در این نظام به حساب آید اما با توجه به آنچه در نظام‌های جدید آموزشی رایج شده می‌توان گفت اولین بار در ایران رضاشاه بود که سیاست «آزمون‌گیری» از طلاب را به اجرا درآورد و به آنان «مدارک» رسمی اعطا نمود.

رضاشاه که در پی مدرنیزه کردن ساختارها و نهادهای اجتماعی ایران بود، علاوه بر گسترش نظام جدید آموزشی و تأسیس دانشگاه، آزمون‌گیری از طلاب را از سال ۱۳۰۷ هـ. ش. به مرحله اجرا درآورد^{۱۱۱}، وی که در نظر داشت حوزه‌ها را تحت کنترل دولت درآورد، مقرر نمود کلیه طلاب علوم دینی در آزمون دولتی شرکت کنند تا از طریق آن گزینش شوند^{۱۱۲}. هرچند این طرح در آغاز با واکنش منفی علما خصوصاً مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم شیخ عبدالکریم حائری روبرو شد، اما سرانجام بر اثر فشار رژیم رضاشاه و تن دادن آنها به بخشی از خواسته‌های علما، آزمون برگزار و با توجه به اجازه

آیت الله حائری و نظارت ایشان بر این آزمون، استقبال چشمگیری از آن به عمل آمد^{۱۱۳}.

تن دادن حوزه به آزمون و پذیرفتن مدرک اعطایی از سوی وزارت معارف به طلاب، تغییر و تحولی در نظام طلبگی در پی نداشت و پس از برداشته شدن فشارهای رژیم، همه رشته‌های رضاشاه پنبه شد.

اما پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تحولی که در عرصه کارکردهای وظایف حوزه پدید آمد، ضرورت روی آوردن حوزه به «مدارک جدید» را نمایان ساخت و خواسته و ناخواسته خود را بر نظام حوزوی تحمیل کرد.

پیامدهای آموزشی اعطای مدارک

مدرک درست یا نادرست هم‌اکنون به نظام آموزشی حوزه راه یافته و ضرورت‌های اجتماعی جای هیچگونه ایراد و اشکالی را باقی نگذاشته‌است.

آنچه در این وضعیت احتیاج به بررسی و کاوش دارد، این است که مدرک چه آثار و پیامدهای مثبت و یا منفی در نظام آموزشی حوزه برجای خواهد گذاشت. بدون شک آگاهی از این پیامدها نظام حوزه را در کاستن از آثار منفی و تقویت آثار مثبت آن یاری خواهد کرد. بدین جهت به اختصار مروری خواهیم داشت بر پیامدهای منفی و مثبت اعطای مدرک به طلاب. نکته شایان توجه این که ارزیابی دقیق این موضوع نیازمند گذشت زمان و انجام تحقیقات میدانی است.

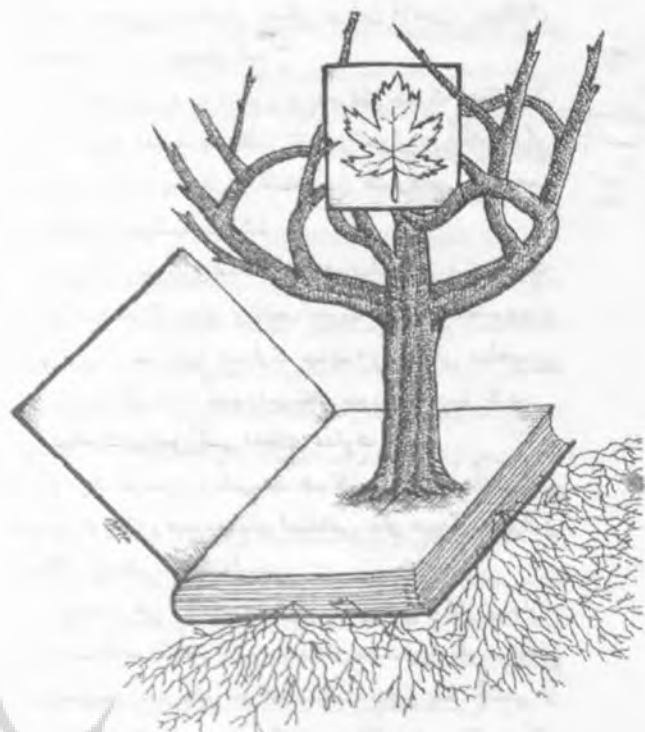
الف. آثار مثبت:

۱. قانونمند شدن دروس و مدت زمان تحصیل و تخصصی شدن حوزه

همانگونه که اشاره شد، یکی از ویژگی‌های نظام حوزوی «ساختار باز» آن است. این ساختار سبب شده تا طلبه‌ها به‌ویژه در سطوح بالاتر یا اختیار کامل برای خود برنامه‌ریزی نمایند و به فراخور استعداد مسیر تحصیل را طی کنند. در این نظام مردودی وجود ندارد و از تعطیلات بسیار زیادی برخوردار است. بر این اساس اعطای مدرک می‌تواند تاحدی جلوی برخی بی‌نظمی‌هایی که بر اثر «باز بودن ساختار آموزشی حوزوی» ممکن است پیش آید، بگیرد و نیز به‌طور سیستماتیک به تنظیم دروس و مدت زمان تحصیل بینجامد و انگیزه طلاب را برای گذراندن سریع‌تر دروس بیشتر کند. ضمن اینکه تکلیف طلبه‌های کم‌استعداد و یا دارای مشکل به‌آسانی مشخص شده و دست حوزه برای کمک به طلاب مستعد بازتر خواهد شد. همچنین به نظر می‌رسد مدرکی شدن زمینه‌هاست تخصصی شدن علوم حوزوی خصوصاً فقه را فراهم نموده و موضوع اجتهاد متجزی را مسجل نماید.

۲. آینده روشن و افزایش متقاضیان

چنان که در بخش کارکردهای مدرک اشاره شد، مدرک



عنوان می‌کنند. این است که چون نظام مدرکی معمولاً بر محفوظات متعلمان تکیه دارد، به مرور نظام آموزشی را به افت کیفیت دچار کرده و در نهایت به «سترونی» و عقیم شدن آن منجر می‌شود و در نتیجه به جای تولید علم، تولید مدرک خواهد کرد. به عقیده این مخالفان کاهش خلاقیت و نوآوریهای علمی و کم‌رنگ شدن انگیزه‌های دانش‌طلبی که ثمره آن کم‌توجهی به تحقیقات و پژوهش است. از توجه صرف دانشجویان و نیز بدنه آموزشی عالی به صدور و اعطای مدرک نشأت گرفته است.

در پاسخ این عده می‌توان گفت، اگر علت افت آموزشی این مسأله بوده است، می‌بایست نظام آموزش عالی کشورهای مرجعی که ایران نظام خود را از آنها اقتباس و کپی کرده است، با چنین معضلی روبرو باشد در حالی که مشاهده می‌شود آنان روزبه روز توسعه یافته‌تر و از غنای علمی بیشتری برخوردار می‌شوند.

از این رو برخی صاحب نظران «تقلیدی بودن» نظام آموزشی را علت العال افت کیفیت می‌شمارند و نه مسائلی چون مدرک، به نظر ایشان «گرچه دگرگونی در نظام آموزشی ایران اجتناب‌ناپذیر بود ولی تقلید کورکورانه جایز نبود». به عقیده آنها «آنچه در این گذار تاریخی ضرورت داشت، ایجاد پیوندهای ثمربخش میان سنتهای ایرانی - اسلامی و دست‌آوردهای غربی بود ولی این امر مستلزم آگاهی نسبت به سنتهای ملی و تحولات فرهنگی در جهان غرب است که غرب‌زدگان قاجار به شدت فاقد آن بودند»^{۱۷۱}.

۲. خدشه دار شدن رابطه معنوی استاد و شاگرد:

از آنجا که نظام مدرکی رابطه خاصی را میان استاد و دانشجو پدید می‌آورد و این رابطه را از یک رابطه معنوی و اخلاقی به یک رابطه خشک و ظاهری مبدل می‌سازد. مدرکی شدن حوزه ممکن است ارتباط سراسر معنوی و سرشار از عشق به علم و عالم را به یک رابطه صوری و مادی تنزل دهد و جایگاه والا و الگوماند استاد را تخریب نماید. امری که در نهایت می‌تواند به کسادی بازار علم منجر شود.

در توضیح بیشتر این پیامد می‌توان گفت، مدرک مقوله‌ای است که در نهادهای مدرن آموزشی به‌طور جدی مطرح شده است و از چنین خاستگاهی برخاسته است. بدین لحاظ شاید بتوان گفت مدرک در تاروپودش فرهنگ مادی مدرن را یا خود حمل می‌کند بنابراین گنجاندن چنین عنصری در نظام سنتی حوزه که معنویت در سراسر وجودش لاینه کرده است، می‌تواند به رابطه معنوی استاد-شاگرد خدشه وارد کرده و در طی یک فرایند آن را استحاله نماید. وضعی که هم‌اکنون به‌طور محسوس در نظام آموزش عالی کشورمان شاهدش هستیم. درحقیقت «عدم تجانس» مدرک (اگر چنین باشد) یا

دارای کارکرد اجتماعی بوده و دارنده آن از نقش و جایگاهی خاص در جامعه برخوردار است. از این جهت اعطای مدرک می‌تواند تصویر روشنتری را از جایگاه طلاب در سطح جامعه ترسیم کند و عرصه عمل اجتماعی آنان را گسترش دهد. این وضعیت هم موجب امیدواری و دلگرمی بیشتر طلاب شده و هم تعداد داوطلبان ورود به حوزه را افزایش خواهد داد.

۳. سهولت ارتباط علمی با سایر مراکز علمی ایران و جهان

از آنجا که «مدرک» یک نماد علمی شناخته شده است که همه نظامهای آموزشی جهان از آن بهره‌مندند در صورت اعتبار صادرکننده مدرک صاحبان آن می‌توانند با مراکز مختلف به راحتی ارتباط برقرار سازند و معارف اسلامی را در قالبهای کلاسیک و در مراکز فکر و اندیشه ترویج و تبلیغ کنند.

۴. استقلال بیشتر طلاب

یکی از پیامدهای مثبتی که می‌توان برای مدرک برشمرد، استقلال بیشتر طلبه‌ها از مدیریت ستادی حوزه است. نظام مدرکی می‌تواند از مراجعات مکرر طلاب به مدیریت حوزه کاسته و رابطه قانونمندتر و منظم‌تری میان آنان برقرار سازد.

پیامدهای منفی

۱. کاستن از خلاقیت و خودانگیزگی (افت کیفیت):
از مهمترین اشکالاتی که مخالفان مدرکی شدن حوزه،

نظام سنتی حوزه شاید پیوند این مهمان نامتجانس چالش‌هایی را برای «میزبان» پدید آورد (البته اگر از این چالش‌ها به خوبی استفاده شود. می‌تواند به فرصت‌ها تبدیل شود و همین فرصت‌ها هم غبار کهنگی را از دامان نظام آموزشی حوزه بزدايد).

۳. بسته شدن درها، بالارفتن توقعات:

ممکن است مدرکی شدن حوزه، سیاست درهای باز آن را تا حدی تحت تأثیر قرار دهد و فضای آزادی را که برای عموم علاقه‌مندان به دروس حوزوی وجود داشته به فضای بسته و محدودی مبدل سازد و در نتیجه دسترسی همگان را محدود کند. در اثر این انقباض و نیز به سبب برخورد ارشدن طلاب از مدرک جایگاه اجتماعی طلبه‌ها متحول شده و توقعات آنان از جامعه افزایش یابد.

به بیان دیگر: تحصیل‌کردگان حوزوی که تا پیش از اعطای مدرک علی‌رغم دارا بودن تخصص و اکتفا کردن به عناوین کلی چون «حجه الاسلام» خود را از نظر اجتماعی همسان و هم‌تراز توده مردم تلقی می‌کردند، با اخذ مدرک درحقیقت به جمع طبقه تحصیل‌کرده پیوسته و از ویژگی‌ها و امتیازات این طبقه برخوردار خواهند شد. این امر می‌تواند نگرش طبقاتی خاصی به آنان بخشیده و بینش آنها را در مورد مسائلی چون ارتباطات اجتماعی تحت تأثیر قرار دهد.

البته این تغییر و تحول می‌تواند در صورتی که نگرش‌های منفی طبقاتی تحت تأثیر بینش الهی حوزویان رنگ بازدارد، امری مثبت تلقی گردد و از سوی به دلیل اینکه در جامعه ما «من قال» معیار است، نه «ما قال» ممکن است زمینه‌های تبلیغ را فراهم‌تر ساخته و هم‌کلامی طلاب را با اقشار مختلف جامعه تسهیل کند.

مدرک و پژوهش

در اینکه آیا مدرک می‌تواند اثرات مثبتی در گسترش پژوهش‌های حوزوی داشته باشد، جای تأمل و بررسی است. آنچه می‌توان به طور حدس و گمان از آن سخن گفت، این است که مدرک، توجه به پژوهش و قاعده‌مند شدن آن را تقویت خواهد کرد و به مرور زمان آن را در سطوح مختلف حوزه گسترش خواهد داد. این امر در طولانی‌مدت می‌تواند هم محتوای تبلیغ را غنی‌تر ساخته و تخصصی‌تر نماید و هم تبلیغ نوشتاری و رسانه‌ای را در حوزه گسترش دهد و حتی تبلیغ سنتی را به قالب‌هایی چون نشست علمی تبدیل و دامنه تبلیغات سنتی را محدودتر سازد.

آیا مدرک به دولتی شدن حوزه منجر نخواهد شد؟! بدون شک اگر حوزه از سوی دولت تغذیه شود همچون آموزش عالی (استقلال آن برپا رفته و دولتی خواهد شد. حال پرسش این است که پذیرش مقررات ارگان یا سازمانی حکومتی و بیرون از حوزه و متکی شدن در امر اعطای مدرک به ضوابطی که از سوی آنان تدوین و تصویب شده به استقلال

علمی حوزه لطمه‌ای نخواهد زد؟! و آیا به دولتی شدن آن منجر نخواهد شد؟

نکته‌ای که قبل از پاسخ دادن به این سؤال باید مشخص شود، این است که معنای استقلال حوزه چیست؟ و تا چه حد آن مطلوب است؟ آیا استقلال به معنای خشک آن به انزوای حوزه منجر نخواهد شد؟ و انگهی در عصر ارتباطات استقلال حوزه چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ به هر حال باید در شرایط جدید و به ویژه در عصر حاکمیت اسلام برای استقلال حوزه معنا و مفهومی دگر باید جستجو کرد.

آنچه به نظر می‌رسد، این است که «استقلال» نماد یک سلسله ارزش‌هایی است که به خودی خود و فارغ از برآوردن اهداف نه‌می‌توان آن را مثبت قلمداد کرد و نه منفی.

درحقیقت استقلال حوزه نتیجه و برآیند این ارزش‌هاست که اولاً حوزه باید با قدرت و تمام توان از انحراف جامعه و دولتمردان جلوگیری کنند و ثانیاً باید پاسدار مرزهای اعتقادی مردم در مقابل تیرهای شبهه‌افکن و گمراه‌کننده باشد و از این جهت نباید به هیچ قدرتی وابسته باشد تا آلت دست آنان قرار نگیرد و قداست آن شکسته نشود.

با توجه به این مسائل می‌شود گفت، استقلال حوزه عنصری جامد و تحول‌ناپذیر نیست و می‌توان با حفظ این ارزش‌ها، تفسیرها و تعبیرهای دیگری از آن ارائه کرد.

و انگهی در شرایط تشکیل نظام اسلامی، حوزه پشتیبان نظام است و پذیرفتن قوانین و مقررات عام آن عین استقلال است.

پی‌نوشتها:

۱. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، ج ۱، ص ۷۵.
۲. «آموزش عالی در جهان» تدوین: دبیرخانه یونسکو، ترجمه دکتر نصرت صفی‌نیا و علما دلویدلی، ص ۸.
۳. همانجا، ص ۱۲.
۴. همانجا، ص ۸۱.
۵. همانجا، همان.
۶. همانجا، همان.
۷. پژوهشی در نظام طلبگی، مهدی ضوابطی، (بنگاه انتشارات و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۷۸).
۸. همانجا، همان.
۹. همانجا، همان.
۱۰. همانجا، ص ۱۲۳.
۱۱. رژیم شاه و آزمون‌گیری از طلاب، علیرضا کریمی، تهران، انتشارات مرکز سند انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۱۱.
۱۲. همانجا، همان.
۱۳. همانجا، ص ۱۲.
۱۴. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، ج ۱، ص ۷۶.